

## تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستان‌های بومی در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی

انور نویدیان<sup>۱</sup>، شهرام واحدی<sup>۲\*</sup>، اسکندر فتحی‌آذر<sup>۳</sup> و رحیم بدری‌گرگری<sup>۴</sup>

E. Newidyan<sup>1</sup>, Sh. Vahedi<sup>2\*</sup>, E. Fathiazar<sup>3</sup>, R. Badri Gargari<sup>4</sup>

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳

Received Date: 2019/01/03

Accepted Date: 2019/09/19

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان (فبک) در رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان مریوان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۷ انجام گرفت.

**روش:** پژوهش نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان مریوان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس از دو مدرسه ابتدایی پسرانه و دخترانه تعداد ۳۱۶ دانش‌آموز انتخاب و به روش تصادفی ساده (هر گروه ۱۵۸ دانش‌آموز) در گروه‌های آزمایش و کنترل قرار داده شدند. به تعداد ۱۷ جلسه آموزش فلسفه برای کودکان ارائه گردید. داده‌های رشد اخلاقی با استفاده از پرسشنامه مهارت‌های اخلاقی (Naevaez, 2008) گردآوری شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس و تحلیل واریانس تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر تأثیر مثبت و معناداری دارد و تفاوت معناداری بین گروه دختر و پسر مشاهده نشد، بنابراین می‌توان گفت که آموزش فلسفه برای کودکان رشد اخلاقی دانش‌آموزان را ارتقا داد.

**کلیدواژه‌ها:** رشد اخلاقی، فلسفه برای کودکان، دانش‌آموزان ابتدایی، داستان بومی.

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۳. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۴. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

## مقدمه

اخلاق و چگونگی زیست اخلاقی از مهم‌ترین، مناقشه برانگیزترین و زنده‌ترین حوزه‌های بحث معاصر است به همین دلیل کارهای تجربی در حوزه رشد اخلاقی بسیار مورد توجه بوده است اما معماهای بسیاری در این حوزه هنوز حل نشده باقی مانده است از قبیل روش آموزش و فاصله تفکر اخلاقی تا عمل (Greene, 2015)، بعلاوه در قرن حاضر عوامل زیادی برای نمونه رسانه ارزش‌های اخلاقی کودکان را تحت شعاع قرار داده که از نظر والدین و مسئولین تربیتی خارج است (Borba, 2001). در صورتی که رشد اخلاق و تربیت اخلاقی برای موفقیت و ایفای نقش مثبت در جامعه به افراد کمک می‌کند (Maurice, 2019). تعلیم و تربیت اخلاقی - آموزش و تربیت قلب و ذهن به سوی خوبی‌هاست، ارسطو می‌نویسد که عادات خوبی که در کودکی و نوجوانی ساخته می‌شوند اثر گسترده‌ای روی زندگی فرد دارد (Bennet, 1993). آموزش اخلاقی شامل بسیاری چیزهاست، از جمله: کیفیت‌ها و مفاهیمی مانند خیرخواهی، انسانیت، یکپارچگی، احترام، عدالت، برابری، انصاف، مهربانی، نوع‌دوستی، شمول، تحمل، پذیرش، ادب، صداقت، احترام، اعتماد، سخاوتمندی، صحت، اعتمادپذیری، ملاحظه کردن، بخشش، پرهیزگاری، عشق، همیاری، اصالت، خیرخواهی، نجابت، تعلق، برابری، شهروندی، ذهنیت شهری، از خودگذشتگی و رشد اخلاقی به معنی کسب این کیفیت‌ها و مفاهیم است (Bialik, 2015). بر همین اساس پژوهشگران زیادی هم به تحقیق و ارائه نظریه در این رابطه پرداخته‌اند، بزرگانی مانند پیازه و کلبرگ. از نظر پیازه رشد شناختی و اخلاق از طریق تعامل فرد با محیط اطرافش و از طریق مواجهه با چالش‌هایی که محیط برای او فراهم می‌آورد حاصل می‌گردد. کلبرگ هم می‌گوید فرد در طول زندگی عقلانی خود با توجه به انگیزه‌ها و عواملی مانند بالغ شدن، افزایش تعامل‌های اجتماعی، افزایش تجارب زیستی، نقش‌هایش در جامعه، دوره‌های اخلاقی و تأملات فرا اخلاقی و فراشناختی رشد اخلاقی خود را به دست می‌آورند (Berk, 2007). بعلاوه در این رابطه نظریات جدید هرچند مدت ارائه شده‌اند، از جمله می‌توان به نظریه اخلاق سه‌گانه اشاره کرد.

نظریه اخلاق سه‌گانه<sup>۱</sup> جامعیت بیشتری در رشد اخلاق و همچنین تلویحاتی برای آموزش اخلاق دارد. نظریه اخلاق سه‌گانه ریشه در روانشناسی، تکامل و علوم اعصاب دارد، این نظریه بر اهمیت سیستم لیمبیک و ساختارهای مرتبط با آن برای پردازش اطلاعات اخلاقی و رفتار دارد (buck & Fehr, 2004) به نقل از (Panksepp, 1998; Narvaez, 2007). این نظریه به سه نوع اخلاق اشاره کرده است: الف. اخلاق امنیت - افراد در جستجوی یگانگی خود یا گروه‌اند؛ مانند سطح پیش‌قراردادی کلبرگ، اخلاق امنیت خیلی به حفظ خود و اکتساب شخصی مربوط است (Bechara, Bloom, 1995)؛ ب. اخلاق درگیری<sup>۲</sup> - این نوع اخلاق شامل نظام هیجانی است که ما را به سوی صمیمیت می‌برد (Shore, 2003; Panksepp, 1998; Narvaez, 2010) به نقل از

<sup>۱</sup> . triune ethic theory

<sup>۲</sup> . engagement ethic

Eisler & Levine, 2002; Newman, Holden & Delville, 2005); Panksepp, 1998; Cotteril, 1998) زندگی اشاره می‌کند (Rest, 1986). یکی دیگر از نظریه‌های مهم معاصر در حوزه اخلاق نظریه رست (Rest) است. رست چهار مؤلفه‌ی روانشناختی که زیربنای یک عمل اخلاقی است را معرفی کرد که عبارت‌اند از: ۱. حساسیت اخلاقی<sup>۲</sup> که به معنی آگاهی از چگونگی تأثیر عملکرد ما بر دیگران و بینش نسبت به خود است. ۲. قضاوت اخلاقی<sup>۳</sup> که به تصمیم‌گیری در مورد ارزش اخلاقی یک موقعیت اشاره دارد. ۳. انگیزش اخلاقی<sup>۴</sup>، به این معنی است که ارزش‌ها افراد را برای دستیابی به اهداف و رفتار خود هدایت می‌کنند. ۴. شخصیت یا خلق اخلاقی<sup>۵</sup>، این مؤلفه به ایستادگی در برابر امور درست و اخلاقی علیرغم وجود خطرات بالقوه که فرد را در موقعیت تهدید می‌کند، اشاره دارد (Farid, Sadipur, Karimi, & Falsafinzhad, 2010). Khosravi & Baqeri (2008) معتقدند که ارزش‌های اخلاقی را می‌توان از طریق برنامه‌ی درسی ایجاد و منتقل کرد و Jahan (2007) ادعا دارد که می‌توان از طریق رشد مهارت‌های پرورشی به پرورش منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان کمک کرد. (Larijani & Motavaseli, 2004) هم باور دارند که از طریق مشارکت فعال دانشجویان می‌توان بهتر از سخنرانی صرف به رشد اخلاقی آنها کمک کرد. (Farid et al, 2010) نتیجه گرفتند که آموزش اخلاق به روش‌شناختی از روش‌های دیگری مانند آموزش مستقیم و شفاف‌سازی ارزش‌ها و تلفیقی بیشترین تأثیر را دارد. باین‌حال برخی مفاهیم با رشد اخلاقی بالا در ارتباط‌اند مانند صداقت، صراحت و باوجدانی، درحالی‌که استرس، اضطراب و پریشانی با رشد اخلاقی پایین رابطه دارند (Orpen & Walker, 2006). (Hidet, 2001) نیز معتقد است که هیجان‌ات و احساسات اخلاقی مستقلاً باعث عمل و تصمیم‌گیری اخلاقی می‌شوند و ربطی به فعالیت‌های شناختی ندارند (Bucciarelli, Khemlani & Johnson-Laird, 2008). با توجه به نظریه‌های مختلف درباره اخلاق روش‌های متنوعی برای آموزش آن پیشنهاد شده است.

از جمله روش‌های متنوع آموزش اخلاق عبارت‌اند از: آموزش مستقیم مانند دروس دیگر در مدرسه، آموزش مفاهیم اخلاقی، به‌کارگیری زبان مثبت توسط مسئولین مدرسه و معلمان، تقویت بصری از طریق نوشتن پیام‌های اخلاقی در مدرسه، آزمایش و تمرین محتوای اخلاقی در مدرسه (Berk, 2007) و روش شفاف‌سازی ارزش‌ها (Hardy, 2006)، روش تلفیقی که ترکیبی از روش‌های فوق است. باین‌حال محققان به نتایج متنوعی در مورد آموزش اخلاق رسیده‌اند.

به گفته‌ی (Sajadi, 2007) روش آموزش اخلاق در کشور ما آموزش مستقیم است. این روش در قالب محتوای درس‌هایی مانند بینش اسلامی و یا دین‌زندگی در مدارس ارائه می‌گردد. برخی تحقیقات

<sup>1</sup> . ethic of imagination

<sup>2</sup> . moral sensitivity

<sup>3</sup> . moral judgment

<sup>4</sup> . moral motivation

<sup>5</sup> . moral character

نشان می‌دهد که آموزش مستقیم تأثیر چندانی ندارد بلکه آموزش غیرمستقیم و ضمنی می‌تواند بیشترین تأثیر را داشته باشد (Khosravi & Baqeri, 2008). در این پژوهش محققان روش جدیدی را برای آموزش اخلاق آزمون می‌کنند. این روش فلسفه برای کودکان<sup>۱</sup> است. فلسفه برای کودکان (فبک) برنامه‌ای است که با استفاده از داستان و پرسش و پاسخ سقراطی میان دانش‌آموزان و با هدایت معلم، دانش‌آموزان به یادگیری مفاهیم اخلاقی می‌پردازند (Lipman, 1975). این برنامه روند مخصوص به خود دارد. روند اساسی در آموزش فلسفه برای کودکان اجتماع پژوهشی است؛ فرصتی برای گفتگو و بازگو کردن اندیشه‌های فردی و تحلیل و مقایسه جمعی برای رسیدن به برداشت‌های نو در جهان فکری دانش‌آموزان است. (Garrison, Kanuka & Haws, 2002). روندهای فلسفه برای کودکان برای نمونه عبارت‌اند از: تعریف اصطلاحات، ارتباط دادن هدف و وسیله، شکل دادن فرضیه‌های اخلاقی، تحقیق با تأکید بر پیش‌فرض‌های اخلاقی، موردتوجه قرار دادن نتایج جایگزین و ... که به رشد رفتارهای جامعه‌پسند و اخلاقی مانند شجاعت، مراقبت، صداقت، حساسیت، عشق، یکپارچگی و ... کمک خواهد کرد. (Sharp, 1995).

روال عادی پرس و جوی فلسفی کلاس درس از طریق برنامه فبک را در نه مرحله توصیف کرده‌اند. شروع آن ممکن است با تمرین و توافق روی قوانین تعامل باشد. بعد از یک محرک مانند یک داستان، فیلم، مقاله خبری و یا عکسی که پرس‌وجو را راه بیان‌دازد. سپس پیوند میان پرسش‌ها ایجاد می‌گردد. سؤالی که انتخاب شده برای شروع پرسشگری روی نظر دیگران ساخته شده و در این مرحله موازنه‌ای بین تشویق دانش‌آموزان به پیگیری نظرات همسالان و اطمینان از اینکه سؤالات بحث شده همیشه بر مفاهیم مهم فلسفی متمرکز است؛ مفاهیمی مانند شجاعت، عدالت و ... در نهایت زمانی به‌مرور و بحث و خلاصه نمودن و تعمق در خود فرایند و اینکه آیا ذهن‌ها تغییر کرده‌اند؟ فلسفه برای کودکان تأثیرات مثبتی در ابعاد مختلف داشته است (Haynes, 2002). فلسفه برای کودکان در مدارس ابتدایی و متوسطه فهرستی از پیشرفت در موارد زیر را نشان داده‌است: خواندن، تفکر خلاق و انتقادی، عزت‌نفس، اعتماد و استقامت، بعلاوه روابط بین شخصی، مخصوصاً در گوش دادن به نقطه نظرات دیگران. همچنین یافتند که فبک موجب کاهش عصبانیت و تحقیر کردن دیگران در جمع، هدایت به‌سوی تعامل گروهی حمایتی، شده است. در نهایت گروه‌های فبک سطح بالاتر انگیزش، شجاعت، تعهد و تمرکز را در مقایسه با گروه کنترل نشان دادند (Tricky & Topping, 2004). بعلاوه استدلال، داوری و تمییز را به کودکان یاد می‌دهد، آن‌ها را قادر می‌سازد خودشان برای خودشان فکر کنند و برای خودشان تصمیم بگیرند (Qaedi, 2009).

همچنین بر ابعاد اجتماعی و عاطفی کودکان (Mehta & Whitebread, 2005)، پرورش و توسعه اخلاق (Leany & Lynch, 2007)، توانایی تشخیص خوب و بد در کودکان (Davis, 2007)، افزایش

<sup>۱</sup>. philosophy for children

مهارت‌های استدلالی و قضاوت‌های اخلاقی، عملکردهای اجتماعی و یادگیری‌های فردی (Reznitskaya, 2008؛ Education Endowment Foundation, 2015) تأثیر مثبت داشته است. از طرف دیگر فلسفه برای کودکان موجب ارتباط دانش آموزان با مدرسه، معلم و خودشان، اعتمادبه‌نفس، بهزیستی، بهبود نگرش معلم نسبت به یادگیری دانش‌آموزان (Nuffield Foundation 2015) کاهش بدرفتاری دانش‌آموزان (SAPERRE foundation, 2015, 2014, 2011)، اکتساب مهارت‌های اساسی، درک مطلب (Lipman, 1975)، در درک زبان عمومی، ریاضی و خواندن عمومی (Banks, 1987)، رشد تفکر، مهارت‌های شنیدن، زبان و اعتمادبه‌نفس (Dyfed County, 1994 به نقل از Narvaez, 2010) شده است. تحقیقات داخلی هم ادعا کردند که آموزش فلسفه برای کودکان در موارد زیر تأثیر داشته است: رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی (Marashi et al, 2010؛ Qaedi, 2009)، رشد مهارت استدلالی (Marashi, 2006). درزمینه‌ی رعایت بیشتر نظم در کلاس، احترام به دیگران، احساس مسئولیت، خلاقیت و روابط صحیح با دیگران رشد کنند و در پیشرفت تحصیلی (Nouroozi, 2006)، تبادل نظر آزادانه و احترام به نظرات یکدیگر (Rashtchi & Keyvanfar, 2009)، بر تحول اعتمادبه‌نفس و تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه (Abedini Nazari, 2016)، بر تحول شناختی و هوش منطقی - ریاضی و بهره‌هوشی دانش‌آموزان دختر سال چهارم ابتدایی (Mohammadi, 2009)، بر روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش‌دبستان (Jafari, 2012)، بهبود تفکر منطقی و انتقادی دانش‌آموزان (Bayat, 2011)، پرسشگری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی (Tabatabaee & Musavi, 2011)، مؤلفه‌های تربیت اقتصادی و مهارت‌های شناختی (Shafie Behnamiri, 2016)، افزایش خلاقیت و مؤلفه‌های سیالی، انعطاف‌پذیری مؤثر و بر ابتکار و بسط بی‌تأثیر (Rezaee et al, 2014)، بر سطح پرسشگری دانش‌آموزان (Kamali Motlaq & Noshadi, 2017).

با توجه به آنچه بیان شد مشخص است که پژوهشگران بیشتر به بعد قضاوت اخلاقی در رشد اخلاق پرداخته‌اند بعلاوه بیشتر از داستان‌های خارجی (فیلمپ کم) استفاده نموده‌اند، از طرفی دیگر ضروری است که این برنامه در میان مناطق مختلف قومی انجام شود تا بتوان تعمیم‌پذیری اجرایی آن را در کشور بیشتر کرد همچنین تعداد نمونه آماری در بیشتر پژوهش‌ها حداقل هستند... رویکرد محققان در این پژوهش رویکرد ترکیبی مبتنی بر پیوند فلسفه و ادبیات با رویکرد مبتنی بر فرهنگ بود و با در نظر گرفتن کمبودهای تحقیقات پیشین در پی یافتن پاسخ این سؤال که آیا آموزش فلسفه برای کودکان با استفاده از داستان‌های بومی تأثیری در رشد اخلاقی کودکان دارد؟ بودند. در این رابطه دو فرضیه مطرح شد که عبارت‌اند از: الف) آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر دارد. ب) تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوتی ندارد.

## روش پژوهش

طرح مورد استفاده در این پژوهش نیمه آزمایشی با استفاده از پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان ابتدایی مشغول به تحصیل در سال ۹۷ - ۹۶ شهرستان مریوان بودند که با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۱۶ دانش‌آموز انتخاب شدند. از این تعداد ۱۵۸ دانش‌آموز به‌عنوان گروه آزمایش دختر و پسر، همچنین ۱۵۸ دانش‌آموز به‌عنوان گروه کنترل (دختر و پسر) به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. بسته آموزش فلسفه برای کودکان با نظر اساتید و محققان دیگر داستان‌های بومی (جدول شماره ۱) بودند که دارای مضامین فلسفی هستند. روایی محتوایی داستان‌ها توسط پژوهشگرانی مانند (Majdfar, 2014; Shykhrezaee et al, 2010; Akbari et al, 2012; Nazar Eslami, 2014; Sedaqat, 2016; Yusefi, 2013; Ali, 2014; Malaki, 2016; Habibi Eraqi, 2013; Namazi, 2015; Hamidi Tehrani, 2013; Tajri, 2011; Hamidi, 2013; Lotfi, 2013) تأیید شده و برای آموزش فلسفه برای کودکان بررسی و پیشنهاد شده است. به‌علاوه برای بررسی اعتبار داستان‌ها، این بسته به تعداد ۱۰ نفر از مدرسان دانشگاه آزاد و پیام نور شهرستان مریوان ارائه شد، نظرات آنها با استفاده از روش تحلیل لاشه تحلیل شد و نمره آن ۰/۹۸ به دست آمد که نشان‌دهنده توافق بالای اساتید بود.

برای معلمان طرح درس نوشته شد تا بتوانند به‌خوبی به آموزش بپردازند. آموزش فلسفه برای کودکان بدین‌صورت انجام شد که هنگام و بعد از خواندن داستان، سؤال‌های دانش‌آموزان و نام دانش‌آموزی که سؤال را پرسیده است، در تابلوی کلاس نوشته می‌شود. بعد از اتمام داستان خوانی دانش‌آموزان به سؤالات پاسخ دادند و در رابطه با پاسخ‌ها با هدایت معلم دانش‌آموزان بحث کردند و خود آنها در رابطه با دیدگاهشان و دیدگاه دیگر دانش‌آموزان به نتایج رسیدند، هر دانش‌آموز برای پاسخ‌هایش دلیل و شواهد ارائه دادند. آموزش به‌صورت هفتگی و هر هفته یک جلسه ۴۵ دقیقه‌ای (هفته جلسه) و به مدت تقریباً ۵ ماه انجام گرفت. پس از آن پس‌آزمون با استفاده از همان پرسشنامه اجرا شد.

جدول (۱): خلاصه ساختار و محتوای آموزشی (Ebrahimi, 2015؛ Majdfar, 2014؛ Shykhrezaee et al. 2010)

جلسات	عنوان داستان
اول	بیان مقدمه‌ای در مورد آموزش فلسفه برای کودکان در سطح فهم آنها و روش و قوانین کلاس، خواندن داستان «شیخ گرگانی و گربه» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان

دوم	مرور جلسه اول، خواندن داستان «خیر و شر» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
سوم	مرور جلسه دوم، خواندن داستان «تو نیکی می‌کند و در دجله انداز» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
چهارم	مرور جلسه سوم، خواندن داستان «مرد گل خوار و عطار قند فروش» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
پنجم	مرور جلسه چهارم، خواندن داستان «لاک‌پشت فیلی» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
ششم	مرور جلسه پنجم، خواندن داستان «طبقه هفتم غربی» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
هفتم	مرور جلسه ششم، خواندن داستان «شب گربه‌های چشم‌سفید» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
هشتم	مرور جلسه هفتم، خواندن داستان «اسیری که دشنام داد» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
نهم	مرور جلسه هشتم، خواندن داستان «ملک‌زاده کوتاه‌قد» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
دهم	مرور جلسه نهم، خواندن داستان «عاقبت گرگ‌زاده» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
یازدهم	مرور جلسه دهم، خواندن داستان «غلام دریا ندیده» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
دوازدهم	مرور جلسه یازدهم، خواندن داستان «بز پیرمرد روستایی» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
سیزدهم	مرور جلسه دوازدهم، خواندن داستان «چاق و لاغر» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
چهاردهم	مرور جلسه سیزدهم، خواندن داستان «آخرین فن‌گشتی» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
پانزدهم	مرور جلسه چهاردهم، خواندن داستان «سنگ انتقام» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
شانزدهم	مرور جلسه پانزدهم، خواندن داستان «سفر پرخطر» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان
هفدهم	مرور جلسه شانزدهم، خواندن داستان «دوستی موش و قورباغه آبی» و بحث و گفتگو پیرامون محتوای داستان

ابزار گردآوری داده‌های مربوط به رشد اخلاقی پرسشنامه سنجش مهارت‌های اخلاقی<sup>۱</sup> (Naevaez, 2008) بود که تعداد ۳۰ گویه دارد و توسط معلم برای هر دانش‌آموز قبل و بعد از آموزش تکمیل شد. پاسخ به گویه‌ها به صورت وجود دارد و وجود ندارد هست. این پرسشنامه چهار گونه مهارت حساسیت اخلاقی (۶ گویه)، قضاوت اخلاقی (۸ گویه)، انگیزه اخلاقی (۸ گویه) و عمل اخلاقی (۸ گویه) است. این پرسشنامه توسط (Anderson, Narvaez, Bock, Endicott & Lies, 2004)؛ (Naevaez, 2007)؛ (2008) مورد استفاده قرار گرفته است و روایی صوری و سازه آن را تأیید کرده‌اند. همچنین در این پژوهش هم روایی صوری و سازه توسط سه نفر از اساتید گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز مورد تأیید قرار گرفته است. ضریب اعتبار به روش آلفای کرانباخ برای این پرسشنامه در یک مطالعه پایلوت با تعداد (۱۲۰) دانش‌آموزان ابتدایی پسر به شرح زیر است؛ اعتبار کلی پرسشنامه ۰/۷۸ و اعتبار خرده آزمون‌ها هم به ترتیب برای حساسیت اخلاقی ۰/۷۹، قضاوت اخلاقی ۰/۷۶، انگیزه اخلاقی ۰/۸۰ و عمل اخلاقی ۰/۷۸ به دست آمده است. در این پژوهش نمره کل پرسشنامه‌ی دانش‌آموزان مدنظر بود و مورد تحلیل قرار گرفت.

فرضیه اول پژوهش عبارت است از اینکه: آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر دارد. برای بررسی فرضیه اول این پژوهش از تحلیل کوواریانس استفاده شد. در جدول

<sup>۱</sup>. assessment ethical skills

شماره (۲) آمار توصیفی گروه‌ها را ملاحظه می‌کنید. در میان دانش‌آموزان نمونه همه طبقات و گروه‌های اقتصادی قرار داشتند.

نام گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
۱ آزمایش	۲۸/۵۸	۱۶/۰۳	۱۵۸
۲ کنترل	۲۲/۲۳	۴/۴۴	۱۵۸
کل	۲۵/۹۰	۱۲/۰۵	۳۱۶

برای بررسی پیش فرض همگنی واریانس از آزمون لون استفاده شد. همچنان که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌کنید داده‌ها مفروضه تساوی خطاهای واریانس را زیر سؤال نبرده‌اند؛ بنابراین چون این پیش فرض تأیید شده است و پیش‌آزمون هم اجرا شد، تحلیل کوواریانس اجرا گردید.

F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
۰/۰۳۰	۱	۳۱۴	۰/۸۶۳

منبع پراکندگی	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا
گروه	۲۲۷۳/۲۶۶	۱	۲۲۷۳/۲۶۶	۱۶/۴۷۳	۰/۰۰۰	۰/۰۵۰
خطا	۴۳۱۹۳/۲۶۲	۳۱۳	۱۳۷/۹۹۸			

نتایج به‌دست‌آمده در جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که فرضیه اول تحقیق تأیید شده است، به این معنی که آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان (پسر و دختر) تأثیر معنادار و مثبت داشته است.

گروه	میانگین	خطای استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵٪
آزمایش	۲۸/۵۸۷	۰/۹۳۵	حد پایین‌تر ۲۶/۷۴۸
کنترل	۲۲/۲۳	۰/۹۳۵	حد بالاتر ۳۰/۴۲۶
			۲۵/۰۶۲



در جدول شماره (۵) هم تغییرات مربوط به تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان در میانگین‌های رشد اخلاقی گروه‌های آزمایش و کنترل ملاحظه می‌شود. برای بررسی فرضیه دوم که عبارت بود از: تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دختر و پسر تفاوتی ندارد، از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. در جدول شماره (۶) آمار توصیفی این تحلیل آمده است.

جدول (۶): آمار توصیفی داده‌ها

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای		فاصله اطمینان برای میانگین	
			استاندارد	خطای	حد بالا	حد پایین
۱۵۸	۲۶/۵۵۷۰	۱۶/۲۴۷	۱/۲۹۲	۲۴/۰۰۳	۲۹/۱۱۰	۰/۹۵
۱۵۸	۲۵/۲۵۳	۵/۱۳۰	۰/۴۰۸	۲۴/۴۴۷	۲۶/۰۵۹	۰/۹۵
۳۱۶	۲۵/۹۰۵	۱۲/۰۴۶	۰/۶۷۷	۲۴/۵۷۱	۲۷/۲۳	۰/۹۵

جدول (۷): تحلیل ANOVA

معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	
۰/۳۳۷	۰/۹۲۵	۱۳۴/۲۹	۱	۱۳۴/۲۹۱	بین گروه‌ها
		۱۴۵/۱۵۶	۳۱۴	۴۵۵۷۸/۸۶۱	درون گروه‌ها
			۳۱۵	۴۵۷۱۳/۱۴۲	کل

همان‌طور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌کنید نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نشده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که تفاوت رشد اخلاقی دانش‌آموزان دختر و پسر در اثر آموزش فلسفه برای کودکان معنی‌دار نیست.

### بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر باهدف بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. نتایج نشان داد که میانگین نمرات مهارت‌های اخلاقی گروه آزمایش نسبت به میانگین نمرات گروه کنترل بیشتر بود و معناداری این آزمون نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان در

رشد اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر داشته است. یافته‌های این پژوهش با نتایجی که محققان زیر ادعا کرده‌اند همسو است. از جمله (Biggeri & Santy, 2012) ادعا می‌کنند که در جامعه دموکراتیک افراد آن بیشتر خود را ملزم به رعایت رفتارهای جامعه‌پسند می‌کنند در تحقیق‌شان به این نتیجه رسیدند که آموزش فلسفه برای کودکان در رشد چنین رفتارهایی مؤثر است و افرادی که در این برنامه شرکت داشتند رشد درزمینه‌ی رفتارهای اخلاقی و جامعه‌پسند از قبیل قبول نظر متفاوت، همکاری و ... را نشان دادند. بعلاوه (Schertz, 2007) اشاره داشتند که استفاده از آموزش فلسفه برای کودکان جهت تغییر مثبت در رشد فضیلت‌های اخلاقی تأثیر دارد و می‌تواند به رشد آنها کمک کند از جمله به رشد همدلی در میان کودکان انجامیده است. از طرفی دیگر (Lipman, 2003) که از بنیان‌گذاران اصلی فلسفه برای کودکان است بیان می‌کند که این برنامه به خوبی از عهده ارتقای تفکر کودکان برآمده است و در هر زمینه‌ای به کودکان کمک می‌کند که به تفکر بپردازند و داستان‌ها اگر به روش فلسفه برای کودکان ارائه شوند، در رشد بعد مهم اخلاق (تفکر و استدلال) مؤثر خواهد شد کما اینکه خود لیپمن ادعا دارد که آموزش فلسفه برای کودکان در رشد تفکر تأثیر داشته است.

(Sharp, 1994, 1995) بیان کرد که فلسفه برای کودکان در ابعاد مختلف زندگی تأثیر دارد، او ادعا کرد که اینک برنامه فیک بر رفتارهای اخلاقی در مقابل جنبه‌های مختلف زندگی مانند مراقبت و احترام به طبیعت، سیگار کشیدن، کنترل آلودگی و مسئولیت در برابر دیگران تأثیر داشته است. از طرفی دیگر (Mehta & Whitebread, 2005) نتیجه گرفتند که آموزش فلسفه برای کودکان بر ابعاد اجتماعی و عاطفی تأثیر داشته و کودکانی که در این برنامه شرکت داشتند از پیشرفت در رفتارهای اخلاقی مقبول اجتماعی برخوردار شدند، چنین نتیجه‌ای را (Leanyy & Lynch, 2007) هم گزارش کرده‌اند. (Davise, 2007) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که فلسفه برای کودکان نه تنها فضایی آگاهی محور برای کشف، پرسش و شناسایی مفاهیمی از قبیل عدالت، حقیقت، واقعیت، رعایت حقوق دیگران و مسئولیت‌پذیری را در یک کلاس فلسفه برای کودکان مهیا می‌کند، بلکه در ایجاد توانایی تشخیص خوب و بد در کودکان نیز تأثیر داشت. (Tricky & Topping, 2004), (Tricky, Topping & Tricky, 2014), (2007) گزارش کردند که تحقیقات مختلف در مطالعات کنترل‌شده به فهرستی از پیشرفت در موارد گوناگون از جمله تفکر خلاق و انتقادی، عزت‌نفس، روابط بین شخصی، کاهش عصبانیت، تعامل گروهی و کاهش تحقیر دیگران اشاره دارند، مواردی که به ویژگی‌های یک فرد اخلاقی مربوط است. محققان دیگری از قبیل (Williams, 2015) به رشد در قضاوت محکم و منسجم، (Dyfed County, 1994) به کسب مهارت در به‌کاربردن درست زبان، (Education Endowment Foundation, 2015) به کسب مهارت‌های با همسالان و صبر در گوش دادن به علت شرکت کودکان در برنامه فلسفه برای کودکان اشاره کردند.

در داخل کشور هم برخی محققان در رابطه با تأثیر فلسفه برای کودکان بیان کردند که قضاوت اخلاقی کودکان را ارتقا داده است (Qaedi, 2004, 2009). به علاوه (Badri Gorgori & (2016)

Navidian در پژوهشی که با دانش‌آموزان پایه پنجم و با استفاده از داستان‌های میشل پیکمال انجام دادند، نتیجه گرفتند که آموزش فلسفه برای کودکان در قضاوت اخلاقی کودکان تأثیر داشت. (2005) Qaramaki به تقویت مهارت ارزیابی، تفکر، پرسشگری و استدلال در میان کودکان متأثر از فلسفه برای کودکان و (2010) Marashi et al; (2006) Marashi; Safaee Moqadam et al (2006) هم در پژوهش‌هایشان نتایج مشابهی را گزارش کردند و ادعا کردند که برنامه فیک در استدلال کودکان تأثیر داشت. (2006) Nouruzi پژوهشگر دیگری است که در تحقیقش که به مدت ۸ ماه با دانش‌آموزان پایه‌های دوم تا پنجم انجام داد، نتیجه گرفت که آموزش فلسفه برای کودکان در زمینه رعایت نظم، احترام به دیگران، احساس مسئولیت و روابط صحیح با دیگران پیشرفت داشتند. همچنین پژوهشگرانی مانند (2009) Rashtchi & Keyvanfar; (2011) Bayat; (2011) Tabatabaee & Musavi (2011) به تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان در بعد تفکر اشاره کردند که یکی از ابعاد مهم شخصیت اخلاقی است. از طرف دیگر این پژوهش با نظر پیازه که گفته است، رشد شناختی و اخلاق از طریق تعامل فرد با محیط اطرافش و از طریق مواجهه با چالش‌هایی که محیط برای او فراهم می‌آورد حاصل می‌گردد (Berck, 2007) و همچنین با روش آموزش شناختی که (Farid et al 2010) بیان کرده‌اند همسو است. این پژوهشگران ابراز کردند که روش شناختی و تعاملی به نسبت دیگر روش‌ها برای آموزش اخلاق مؤثرتر است، پژوهش حاضر هم این نظرات را تأیید کردند. به‌طور خلاصه آنچه از ادبیات و پژوهش‌های مربوط به فلسفه برای کودکان دریافت شد این است که اجرای آموزش فلسفه برای کودکان در کلاس درس می‌تواند بر پرورش ابعاد مختلف دانش‌آموزان یا همان رشد همه‌جانبه آنها تأثیر مثبتی بگذارد، چون در برنامه فلسفه برای کودکان افکار دانش‌آموزان در مورد مفاهیم موردنظر مانند اخلاق به چالش کشیده خواهد شد و در این گفتگو و بحث است که آنها درستی و نادرستی افکار اخلاقی خود را با توجه به آنچه از دوستانشان می‌شنوند درمی‌یابند. نتیجه چنین گفتگوهایی است که اندیشه و تفکر تغییر می‌کند و تفکرات دیگری جای تفکر قبلی را می‌گیرد. در چنین روندی است که اخلاق به چالش کشیده شده و دانش‌آموزان درمی‌یابند که در چه شرایط اخلاقی هستند، چه کار کنند، آیا باورهای اخلاقی‌شان درست است و یا نه چه چیزهایی را باید تغییر دهند؛ بنابراین ما معتقدیم چنین شرایطی تغییر در رشد اخلاقی دانش‌آموزان را فراهم کرد، بدین معنی که آموزش فلسفه برای کودکان در تغییر مهارت‌های اخلاقی آنها مؤثر بود. در نهایت باوجود محدودیت‌های این پژوهش مانند تجربه ناکافی معلمان در این زمینه و تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس، می‌توان ادعا کرد که این روش آموزش اخلاق می‌تواند جایگزین روش‌های قبلی گردد و در تمام مدارس کشور اجرا گردد چون از طرف دیگر این روش روشی غیر تجویزی برای آموزش اخلاق است و دانش‌آموزان احساس کنترل از طرف دیگران را نخواهند داشت. پیشنهاد می‌گردد برای

گنجاندن این برنامه در برنامه درسی آموزش و پرورش تحقیقات بیشتری در سراسر کشور و با گروه‌های مختلف انجام گردد.

## References

- Abedini Nazari, M. (2016). *The Impact of Teaching Philosophy for Children on Self-Confidence and Critical Thinking of Male High School Students in District 6 of Tehran*. Masters dissertation, Azad University of Tehran Markaz.
- Akbari, A., Javidi Kalateh Jafarabadi, T., Shabani Varki, B., & Taqavi, M. (2012). Philosophy for Children (p4c) Philosophical themes in stories of classical Persian literature. *Thinking and Children*, 3 (2), 1-25
- Ali, H. (2014). *Selection and rewriting of Golestan Saadi's stories for useing in philosophy for children*. Masters Dissertation, University of Alzahra
- Anderson, C., Narvaez, D., Bock, T., Endicott, L., & Lies, J. (2004). *Minnesota Community Voices and Character Education: Final Report and Evaluation*. Roseville, MN: Minnesota Department of Children, Families and Learning.
- Badri Gorgor, R., & Navidian, A. (2016). A Study of Impact of Teaching Pilosophy for Children on Students Moral Jdujment and Emotional Self-Efficacy. *Philosophy and Children*, 3 (11), 95-106
- Banks, J. C. R. (1987). *A study of the effects of the critical thinking skills program, Philosophy for Children, on a standardized achievement test*. Unpublished doctoral dissertation, Southern Illinois University, Carbondale.
- Bayat, M. (2011). *The Impact of Teaching Philosophy for Children on the Logical and Critical Thinking of Third Grade Middle School Students in Hamadan City in 2010-2011*. Master These, Payam Noor University of Tehran/Markaz
- Bechara, A. (2005). Decision making, impulse control and loss of willpower to resist drugs: a neurocognitive perspective. *Nature Neuroscience*, 8, 1458-14
- Bennet, W. J. (1993). *The book of virtue: a treasury of great moral stories* (transalted by Ali bEhroozfar, 2017), Mashhad, Shemshad press
- Berk, L. (2007). *Development Throgh the Lifspan*. Translated by Yahya Sayed Mohammadi (2014). Arasbaran, Tehran
- Bialik, M., Bogdan, M., Fadel, C., & Hovathova, M. (2015). *Character Education for 21<sup>st</sup> Century: what should students learn?.* *Center for Curriculum Redesign*. [www.curriculumredesign.org](http://www.curriculumredesign.org)
- Biggeri, M., & Santi, M. (2012). The Missing Dimensions of Children's Well-being and Wellbecoming in Education Systems: Capabilities and Philosophy for Children, *Journal of Human Development and Capabilities: A Multi-Disciplinary Journal for People-Centered Development*, 13(3): 373-395.
- Bloom, H. (1995). *The Lucifer principle*. New York: Atlantic Monthly press
- Borba, M. (2001). *Building moral intelligence: the seven essential virtue that teach kids to do the right thing* (translated by Firoozeh Kavosi, 2012, Tehran, Roshd press.

- Bucciarelli, M., Khemlani, S., & Johnson-Laird, P.N. (2008). The Psychology of Moral Reasoning. *Judgment and Decision Making*, Vol. 3, No. 2. 121-139
- Cotterill, R. (1998). *Enchanted looms: Conscious networks in brains and computers*. Cambridge University Press.
- Davis, R. (2007). Putting the community back in to Inquiry Based Learning: why Inquiry Based learning School back as well as Forward, New Zealand": *journal of teachers work*. Vol.4, Issue. 2.
- Ebrahimi, J. (2015). *Qesehhay Shirin Golestan e Saadi*. Tehran, Peydayeh press.
- Education Endowment Foundation. (2015). *Philosophy for Children Evaluation report and Executive summary*. London. Retrieved from: [https://educationendowmentfoundation.org.uk/uploads/pdf/Philosophy\\_for\\_Children.pdf](https://educationendowmentfoundation.org.uk/uploads/pdf/Philosophy_for_Children.pdf)
- Eisler, R., & Levine, D. S. (2002). Nurture, nature, and caring. We are not prisoners of our genes. *Brain and Mind*, 3, 9-52.
- Farid, A., Sadipur, E., Karimi, U., & Falsafinzhad, M. R. (2010). The Effectiveness of Direct Teaching Methods, Cognitive Ethics Training, Transparency of Values and Integration on Students' Ethical Judgment. *Journal of quarterly Psychology*. 5(19), 26-41.
- Garrison, R., Kanuka, H., & Hawes, D. (2002). *Blanded learning in a research university*. Learnig Commons publication: University of Calgary.
- Greene, J. D. (2015). The rise of moral cognition. *Cognition* 135, 39 – 42 .
- Habibi Eraqi, L.M. (2013). *Intellectual reading of classic storial texts based on p4c theory*. Doctoral dissertation, University of Tarbiat Moalem Tehran
- Haidt, J. (2001). The Emotional dog and its rational tail: A social intuitionist approach to moral judgment. *Psychological reviw*, 103 (4), 814-834
- Hamidi Tehrani, A. (2013). *Choosing Stories of Persian Literature for Teaching Philosophy to Children and Adjusting it based on Principles of Philosophical Writing*. Master Dissertation, University of Shahed.
- Hamidi, A. (2013). *Investigating how Shahnameh Stories Can Be Used in the Philosophy for Children*. Master dissertation, University of Tarbyat Moalem/Tehran
- Hardy, S. A. (2006). Identity Reasoning and Emotion: An Empirical Comparison of Three Sources of Moral Motivation, *Journal of Motive Emot*. 0, 207-21
- Haynes, J. (2002). *Children as philosophers*. London: Routledge Falmer.
- Jafari, Z. (2012). *Exploring the Effects of Philosophy on Children in The research spirit of preschool children*. Master Dissertation, university of Alzahra.
- Jahani, J. (2007). Exploring the Effects of Philosophy on Children in Developing Students' Ethical Characteristics. *Journal of Curriculum Planning Studies*. 2(7). 36-59.
- Kamali Motlaq, T., & Noshadi, N. (2017). The Impact of Teaching Philosophy for Children on Questioning Level in Elementary School Students. *Thinking and Child*. 8(1). 1-13
- Khosravi, Z., & Baqeri, Kh. (2008). A guide to internalizing moral values through the curriculum. *Quarterly Curriculum Studies*, 2(8). 81-105
- Larijani, B., & Motavaseli, E. (2004). New Methods of Medical Ethics Education. *Journal of Diabet and Lipid of Iran. Special Issue of Ethics in Clinical and Medical Researchs*. 39-46.

- Lipman, M. (1975). *philosophy for Children*, (ERIC Document Reproduction Service No. ED103296)
- Lipman, M. (2003). *Thinking In Education*, second edition, Cambridge University Press.
- Lotfi, N. (2013). *Selection and Rewriting of the Stories of Masnawi's Third Book for Philosophy for Children and Educational Guide*. Master Dissertation, University of Allameh Tabatabaee
- Majdfar, M. (2014). *Bidpa in the Classroom*. Tehran, Amrud press.
- Maleki, Z. (2016). *The Effect of Kleilodmena Stories on Teaching Philosophy for Children in Elementary Sixth Grade Students*. Master's Dissertation, University of Alzahra.
- Marashi, S. M., Safaee Moqadam, M., & Khazami, P. (2010). Exploring the Impact of Teaching Philosophy for Children Program on Developing Ethical Judgment among Fifth Grade Elementary School Students in Ahvaz. *Thinking and Child*. Year 1 No 1.
- Marashi, S, M. (2006). Teaching philosophy to children; a research about training thinking. The National Conference of Humanity Science; the Strategies for improving humanity Science.
- Maurice, J. E.( 2019). *How to promote social, emotional, and character development*. <https://www.edutopia.org/article/how-promote-social-emotional-and-character-development>
- Mehta.S., & Whitebread, D. (2005). *philosophy for children and moral development the India Context*, Cambridge university. Vol.21,No.30
- Mohammadi, M. (2009). *The Impact of Philosophy for Children on Cognitive Development, Logical-Mathematical Intelligence and Intelligent quotient (IQ) of Fourth-grade Female Students in District 13 of Tehran*. Master's Dissertation, University of Payam noor, Tehran.
- Namazi, Z. (2015). *Selection and Critical Analytical Rewriting of Masnavi Stories as a Philosophy for Children*. Master's Dissertation, University of Malayer.
- Narvaez, D. (2007). *How cognitive and neurobiological sciences inform values education for creatures like us*. In D. Aspin & J. Chapman (Eds.), *Values Education and Lifelong Learning: Philosophy, Policy, Practices* (pp. 127-159). Springer Press International.
- Narvaez, D. (2008). *Human flourishing and moral development: cognitive science and neurobiological perspectives on virtue development*. In L. Nucci & D. Narvaez (Eds.), *Handbook of Moral and Character Education* (pp. 310-327). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Narvaez, D. (2008). *Ethical Skills Assessment*. Netherland, University of Notre Dame
- Narvaez, D. (2010). *The Emotional Foundation of High Moral Intelligence . Childrens Moral Emotions and Moral Cognition: Developmental and Educational Perspective*. Issue 129, Autumn (fall) 2010, pp 77-94
- Narvaez, D., Bock, T., Endicott, L., & Lies, J. (۲۰۰۴). Minnesota's Community Voices and Character Education Project. *Journal of Research in Character Education*, 2, 89-112.
- Nazareslami, F. (2014). *Exploring the Use of Golestan Stories in the Philosophy for Children Program*. Master's Disseretation, University of Ilarbyat Moalem Tehran.
- Newman, M. L., Holden, G. W., & Deville, Y. (2005). Isolation and the stress of being bullied. *Journal of Adolescence*, 28, 343-357.
- Nouruzi, R. A. (2006). A Study of Philosophical Work with Children from the Viewpoints of Isfahan School Students. *Educational Innovation*. Year 6, No. 23
- Nuffield Foundation. (2015). *Non-cognitive impacts of Philosophy for Children*. Retrieved from <http://www.nuffieldfoundation.org/non-cognitive-impacts-philosophy-children>

- Orpen, W., Walker, K.M., & Hutchinson, L.R. (2006). Personality, Empathy, and Moral Development: Examining Ethical Reasoning in Relation to the Big Five and the Dark Triad). *Poster Presented at the 67th Annual Meeting of the Canadian Psychological Association, June 2006, Calgary, Alberta, Canada*
- Panksepp, L. (1998). *Affective neuroscience*. New York: Oxford University press.
- Qaedi, Y. (2004). *Philosophy for children program, review of theoretical foundations*. Tehran, Dwawin press.
- Qaedi, Y. (2009). Philosophy for children program In junior and high school. *Farhang Quarterly*, 1 (69).
- Qaramaki Ahad, F. (2005). Philisophy for Children from Logical Thinking to philosophical Experience. *Special Issue of Philosophy and Child*, 1(1). 23-37
- Rashtchi, M & Keyvanfar, A. (2009). Theoretical Foundations of Inquiry community as a Method of Teaching Philosophy to Children. *Quarterly Farhang*, 22(1)
- Rezaee, N M., Padervand, N., Sobhani, A., & Rezaee, A. M. (2014). The Impact of Implementing Philosophy for Children on Increasing Creativity and Fluid Components, Flexibility, Initiative and Expansion. *Journal of Initiative and creativity in Human Science*, 4(2). 19-36.
- Reznitskaya, A. (2008). *Philosophical Discussions in Elementary School Classrooms: Theory, Pedagogy, research*. Montclair State, university, New Jersey, USA.
- Safae Moqadam, M., Marashi, S. M., Pakseresht, M. J., Baqeri, KH., & Sepasi, H. (2006). Exploring The Effect of Community of Inquiry in Teaching Philosophy to Children on the Development of Reasoning Skills among Third-grade Male Students of Ahwaz Nomuneh Dolati School. *Journal of Education Science & Psychology, Shahid Chamran University*. Volume 3, Number 13, Number 2, pp. 31-54.
- Schert, M. (2007). Avoiding 'passive empathy' with Philosophy for Children, *Journal of Moral Education*, 36(2), 185-198.
- Shafie Behnamiri, S. F. (2016). *The Effect of Philosophy for Children Curriculum on the Economic Education of Seventh Grade Female Students in Behnamir City Via Using Persian Literature Texts*. Mastre dissertation, University of Alzahra
- Sheykhrezaee, H., Lamee Ramandi, L., Tavasoli, S., Nashat Rooh, A., Eskandarinejad, F., Nazari, S., & Shirazi, Z. (2010). Ethical Development of Child and Storied Literature and Review of Jamshid Khanian's from the perspective of moral development. *Thinking and child*, 1(1). 37-67
- Sajjadi, SM. (2007). Explanation and Critique of the Principles of Postmodern Moral Education. *Educational Research and Review* Vol. 2 (6), pp. 133-140, June 2007
- SAPERE. (2011). *Rokeby's Boys School in East London, a whole school approach*. Retrieved from <http://www.sapere.org.uk/Portals/0/Rokeby%20School%20Case%20Study.pdf>
- SAPERE. (2014, 2015). *Philosophy for Children (P4C) Going for Gold*. Retrieved from <http://www.sapere.org.uk/Default.aspx?tabid=237>
- Schore, A. (2003). *Affect dysregulation and disorders of the self*. New York: Norton
- Sedaqat, Z. (2016). *The Usability of the Masnavi Stories (Fourth Book) in the Philosophy for Children Program*. master's dissertation. University of Alzahra.
- Sharp, A. M. (1994). Feminism and philosophy for Children. Thinking: the Ethical Dimension. *The Journal of Philosophy for Children* 11 (314), pp 24-28

- Sharp, A. M. (1995). "philosophy for Children and the Development on ethical Values". *Early Child Development and care*, Vol. 107, pp 45-55
- Tabtabaee, Z., & Musavi, M. (2011). The Impact of Philosophy Program on Questioning and Critical Thinking of Third to Fifth Grade Elementary School Students (9-11) of Alavi Primary School in Varamin. *Thinking and Child*. 1. pp. 73-90
- Tajri, A. (2011). *The Impact of Teaching Philosophy on Adolescents on the Development of Ethical Judgment by Using Golestan Stories*. Master These, University of Alzahra
- Topping, K. J., & Trickey, S. (2014). The role of dialog in philosophy for children, *International Journal of Educational Research*, 63(2014): 69-78.
- Trickey, S. (2007). Promoting social and cognitive development in schools: An evaluation of Thinking through Philosophy. In *The 13th International Conference on Thinking Norrkoping, Sweden June 17-21*. Linkopings University Electronic Conference Proceedings. Retrieved from <http://www.ep.liu.se/ecp/021/vol1/026?ecp2107026.pdf>
- Trickey, S., & Topping, K.J. (2004). 'Philosophy for Children': A Systematic review. *Research Papers in Education*, 19(3): 363-378.
- Williams, S., & Sutcliffe, R. (2013). *5 steps to... Understanding P4C* (Training document produced for SAPERE).
- Yousefi, A. (2013). *Evaluating the Ability of Stories from Kelley and Demena to Teach Philosophy for Children*. Thesis M.Sc., Humanities and Cultural Studies Institute

